

مسئولیت‌پذیری کارگزاران و مدیران به عنوان یکی از عوامل شایسته‌سالاری از دیدگاه امام علی^۱ (علیه السلام)

علی‌اکبر ایزدی فرد^۲

حسین کاویار^۳

چکیده

سؤال اساسی این مقاله این است: مسئولیت‌پذیری کارگزاران به چه معناست و عنصر اصلی مسئولیت‌پذیری کارگزاران حکومتی چیست؟ خلاصه پژوهش اینکه مسئولیت‌پذیری کارگزاران حکومت به معنای پاسخگویی است که در آن فرمانبرداری، اطاعت امر و اجابت درخواست دیگران نسبت به وظایفی که بر عهده دارند، مطرح می‌گردد و عنصر اصلی مسئولیت‌پذیری، که همان پاسخگویی است یعنی اصالت دادن به حقوق دیگران به این معنا که «شما حق دارید و من تکلیف». پاسخگویی به این معنا را می‌توان همان مسئولیت‌پذیری حکومتی دانست که به عنوان مسئولیت حرفه‌ای و سازمانی زمامداران و کارگزاران حکومت به شمار آمده و ناظر بر مسئولیت افراد به عنوان اشخاص حقوقی است. حضرت علی (ع) در نهج البلاغه در موارد متعددی به این نوع از مسئولیت اشاره کرده است. در این مقاله درباره اصل مسئولیت‌پذیری کارگزاران و مفهوم و موارد آن از دیدگاه امام علی (ع) بحث و بررسی به عمل می‌آید.

واژگان کلیدی

اصل مسئولیت‌پذیری، مسئولیت اخلاقی، پاسخگویی در مدیریت، اخلاق حرفه‌ای در مدیریت، ارتباط متقابل در مدیریت، مدیریت اسلامی

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۷/۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۹/۱۱

E-mail: ali85akbar@yahoo.com

۲. استاد گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران

E-mail: h.kaviar@umz.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه مازندران،

مقدمه

در دیدگاه امام علی (ع)، فلسفه حکومت، احیای حق، انهدام باطل و رساندن انسان از خاک به خداست. این آرمان والا جز با حکومت صالحان تحقق نمی‌یابد. روشن است که امام باید کارگزاران خویش را از میان بهترینها و نخبگان انتخاب کند تا اشتباهات و انحرافات احتمالی به حداقل برسد. از این‌رو، نخستین اقدام حکومتی امام پس از بیعت مردم، جابه‌جایی و عزل و نصب وسیع مدیران اجرایی نظام پیشین بود. معیارهای امام (ع) برای انتخاب کارگزاران در رده‌های گوناگون، برگرفته از متن دین و مورد رضای خدا و پیامبر اکرم (ص) بود. از این‌رو در عهدنامه مالک اشتر نخعی برای هر صنفی از مسئولان حکومت، ویژگیهای خاصی را برشمرده است؛ مثلاً درباره صفات فرماندهان نظامی می‌فرماید: «برای فرماندهی سپاه، کسی را برگزین که خیرخواهی او برای خدا و پیامبر (ص) و امام تو بیشتر و دامن او پاکتر و شکیبایی او برتر باشد و از کسانی که دیر به خشم آید و عذرپذیرتر باشد و بر ناتوان رحمت آورد و با قدرتمندان با قدرت برخورد کند؛ درشتی، او را به تجاوز نکشاند و ناتوانی او را از حرکت باز ندارد. سپس در نظامیان با خانواده‌های ریشه‌دار، دارای شخصیت حساب شده، خاندانی پارسا، دارای سوابقی نیکو و درخشان، که دلاور و سلحشور و بخشنده و بلند نظرند، روابط نزدیک برقرار کن. آنان همه بزرگواری را در خود جمع کرده و نیکی‌ها را در خود گرد آورده‌اند» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

از دیدگاه حضرت علی (ع) چرایی تشکیل حکومت اسلامی بر اقامه حدود الهی و اجرای وظایفی مبتنی است که بر عهده دولتمردان است. ابن عباس گوید هنگام عزیمت امام علی (ع) به شهر بصره به منظور جنگ با ناکثین در سرزمین «ذی قار» در حالی که امام داشت کفش خود را پینه می‌زد به خدمتش رسیدم، تا مرا دید، فرمود قیمت این کفش چقدر است: گفتم بهایی ندارد. فرمود: «وَ اللَّهُ لَهَيَّ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ إِمْرَتِكُمْ إِلَّا أَنْ أُقِيمَ حَقًّا أَوْ أَدْفَعَ بَاطِلًا» (نهج البلاغه، خطبه ۳۳) به خدا سوگند همین کفش بی ارزش نزد من از حکومت شما محبوبتر است مگر اینکه حقی را با آن به پا دارم یا باطلی را دفع نمایم.

از نظر مولای متقیان علی (ع) حکومت بر مردم به هیچ وجه هدف نیست، بلکه امانت الهی است که باید در جهت خدمت به بندگان خدا و به عنوان وسیله‌ای به منظور رفع نیازهای محرومان و نیازمندان و با نگاه کارگزاری برای مردم نه نگاه سلطه جویانه، قرار

گیرد. حضرت در نامه به اشعث بن قیس فرماندار خود در آذربایجان می‌نویسد: «همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نیست؛ بلکه امانتی در گردن توست، باید از فرمانده و امام خود اطاعت کنی (زیرا نسبت به مافوق خود نگهبان مردمی). تو حق نداری نسبت به رعیت استبداد ورزی و در مورد مردم، مطابق نظر و میل خود رفتار کنی. در امور مالی باید پس از اطمینان اقدام نمایی و ثروتی که در اختیار توست از اموال خدای عزوجل است و تو انباردار آن و در مقابل خدا و خلق مسئولی» (نهج البلاغه، نامه ۵). در جدول شماره (۱) توصیه‌های امیر مؤمنان علی (ع) به مدیران و کارگزاران حکومت اسلامی به تفکیک آورده می‌شود:

جدول (۱): توصیه‌های حضرت علی (ع) به کارگزاران و مدیران

نهی هرگونه سلطه و جبر حاکمان و حکومت	توصیه‌های حضرت علی (ع) به کارگزاران و مدیران حکومت اسلامی با توجه به نامه ۵ ایشان در نهج البلاغه
نهی آزادی عمل حکومت در استفاده از امکانات جز خدمت برای مردم	
مسئولیت حفظ اموال و نگهداری از بیت المال	
پاسخگویی به مردم در عرصه مسئولیتی و مدیریتی	

مسئولیت‌پذیری زمامداران و کارگزاران حکومتی همان پاسخگویی است؛ زیرا پاسخگویی نوعی فرمانبرداری، اطاعت امر و اجابت درخواست دیگران نسبت به وظایفی است که بر عهده دارند و برای شخص ایجاد تعهد می‌کند. در واقع می‌توان گفت که عنصر اصلی مسئولیت‌پذیری همان پاسخگویی است؛ یعنی اصالت دادن به حقوق دیگران؛ به این معنا که «شما حق دارید و من تکلیف» و این اصل در سایه هماهنگی انسان با حق و عدم تقدم او بر خدا و رسول به دست می‌آید. به همین دلیل است که از دیدگاه حضرت علی (ع) در نظام اسلامی، مدیریتهای باید به کسانی واگذار شود که در بعد اندیشه و عمل، اسلام را قبول داشته، و تابع فرمان الهی، سنت نبوی و ائمه معصومین (ع) باشند (نهج البلاغه، نامه ۳۸). هر مسئول و مدیری بر حسب دانایی به این امر و با احراز این شرایط است که درصدد تدوین مسئولیتهای خود در برابر حقوق دیگران بر می‌آید و اینکه چگونه می‌تواند به هر یک از آن مسئولیتهای بخوبی عمل کند. مسئولیت‌پذیران را می‌توان همان «انجام جویان» (مکنزی، ۱۳۷۱: ۲۵۹) دانست؛ کسانی که در وظایفی که بر عهده‌شان قرار می‌گیرد،

نهایت سعی و تلاش را همراه با دقت و به روش آحسن به کار می‌گیرند. همه این عوامل به علاوه عدم کوتاهی در وظایف و تعهدات، مدیر را در مدیریت جامعه برتر و موفقتر می‌گرداند. حضرت علی (ع) فرمودند: «از جمله نشانه‌های فضل و کمال انسان پاسخ مناسب و بموقع در برابر حقوق دیگران است» (محمدی ری شهری، ۱۴۰۵: ۱۸۲/۲). کارگزاران، پس از مجهز شدن به دانش حاصل از ارزیابی صادقانه خود و نیز شالوده محکم فنی و رزمی مورد نیاز برای کار، باید برای به انجام رساندن مأموریت واحدش دست به کار شود. با پذیرفتن مسئولیت، حرفه‌ای‌تر می‌شود و توانایی نظارتش افزایش می‌یابد. به عهده گرفتن مسئولیت هر آنچه کارکنان انجام می‌دهند یا نمی‌دهند، بخشی از کار کارگزاران است. هنگامی که دستوری صادر نشده است، ابتکار عمل به خرج دادن و اقدامات لازم را بر اساس قضاوت و تجربه فردی انجام دادن به مأموریت کمک می‌کند. مطالعه، آموزش و برنامه‌ریزی دائمی، زمینه را برای ایجاد توانایی لازم به منظور اتخاذ تصمیمات قاطع و بهنگامی فراهم می‌سازد که مبنای کار است (پتریلو، ترجمه ملانظر، ۱۳۸۷: ۱۴۲).

مسئولیت‌پذیری کارگزاران حکومتی

اصل مسئولیت‌پذیری انسان، که به دلیل خودآگاهی و اختیار اوست، نوعی رفتار اخلاقی است که همراه با الزام، و تعهدآور است؛ تعهدی که با اختیار و تصمیم آدمی منافات ندارد. مسئولیتهای اخلاقی گاه به صورت «اخلاق فردی» است که هر فردی به عنوان شخص حقیقی صرف نظر از شغل و کارش نسبت به رفتارهای خود در برابر خود، خانواده و جامعه دارای مسئولیت است و باید پاسخگو باشد. تلاش در جهت کسب مکارم و فضائل، برآوردن نیاز دیگران، متابعت از حق و ملازمت با آن، پرداخت حقوق دیگران، استفاده بهینه از نعمتهای الهی، رعایت حقوق دوستان و پدر و فرزند، توجه به مشکلات جامعه و کمک به مردم از موارد مسئولیتهای فردی است که در نهج البلاغه بدان اشاره شده است (نامه ۵۳ و حکمت ۹۸، ۱۳۴، ۲۴۴، ۲۵۷، ۳۳۰، ۳۳۹ و ۴۴۶). گاهی مسئولیتهای اخلاقی به صورت «اخلاق شغلی» است و هر فردی با توجه به شغل و حرفه‌ای که دارد، دارای مسئولیتهای اخلاقی خاصی است؛ مانند مسئولیتهای

اخلاقی پزشک، کارمند بانک، وکیل و معلم. از دیدگاه حضرت علی (ع) هر شغل و حرفه‌ای دارای بایدها و نبایدهای خاصی است که از آن جمله عبارت است از مسئولیت علما در نشر علم و دانش، مسئولیت کارمندان در رعایت تقوای الهی و اطاعت از خدا و ادای امانت و مردم‌داری، مسئولیت مدیران و کارگزاران در حمایت از دین خدا و رویارویی با غرور و سرکشی گنهکاران و دفاع از حدود و ثغور مملکت اسلامی و فروتنی نسبت به مردم، مسئولیت سرمایه‌داران در کمک به فقرا و ادای حقوق آنان (خطبه ۱۰۵ و نامه ۲۶ و ۴۶ و حکمت ۳۲۸ و ۴۷۸).

قسم سوم از مسئولیتهای اخلاقی به صورت «اخلاق سازمانی» و «حرفه‌ای» است^۱ که ناظر بر مسئولیت افراد به عنوان اشخاص حقوقی است و این غیر از مسئولیتهای فردی و شغلی است که بر مسئولیت افراد به عنوان شخص حقیقی تأکید دارد. از دیدگاه نهج البلاغه در این فرض، مسئولیتهای اخلاقی مبتنی بر نگرش کل‌گرایانه و سیستمی است؛ یعنی به دست آوردن حقوق، مساوی است با رعایت حقوق دیگران و اجرای وظایف خود در برابر حقوق دیگران عین احقاق حق خود است. حضرت علی (ع) در خطبه ۲۱۶ با بیانی زیبا ضمن توجه دادن مردم به عنوان امت اسلامی به مسئولیتهای حرفه‌ای و سازمانی خود به مسئولیتهای حرفه‌ای و سازمانی حکومتی اشاره می‌کند که مفاد آن چنین است: «شما نسبت به من به عنوان سرپرست حکومت وظایفی دارید و من نیز نسبت به شما به عنوان حاکم وظایفی دارم و حقی بر کسی واجب نمی‌شود مگر اینکه همانند آن را انجام دهد»؛ آن‌گاه می‌فرماید: «اگر طرفین به وظایف و مسئولیتهای خود عمل کنند، حق در آن جامعه عزت می‌یابد و راه‌های دین‌پدیدار و نشانه‌های عدالت برقرار و سنت پیامبر (ص) پایدار گردد؛ پس روزگار اصلاح شود و مردم در تداوم حکومت امیدوار و دشمن در آرزوهایش مأیوس می‌گردد». در این نوع مسئولیت، حاکم اسلامی و کارگزاران حکومتی به عنوان شخصیت حقوقی در برابر امت اسلامی مسئولیتهای ویژه‌ای دارند. حضرت علی (ع) در خطبه ۳۴ در ترسیم و تبیین آن مسئولیتهای می‌فرماید: «حق شما بر من این است که از خیرخواهی شما دریغ نورزم و بیت‌المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم و شما را

۱. برای تفصیل سخن در مورد اقسام مسئولیتهای اخلاقی، ر.ک: (قراملکی، ۱۳۸۲: ۱۰۷-۹۷).

آموزش دهم تا بی سواد و نادان نباشید و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید». مردم نیز موظفند در کمک به حاکم اسلامی، حقوق وی را رعایت کنند و مسئولیتهای حرفه‌ای خود را به عنوان امت اسلامی به نحو نیکو انجام دهند؛ چنانکه در ادامه می‌فرماید: «و اما حقّ من بر شما این است که به بیعت با من وفادار باشید و در آشکار و نهان برایم خیرخواهی کنید، هر گاه شما را فراخواندم، اجابت نمایید و هر گاه فرمان دادم، اطاعت کنید».

جدول (۲): انواع مسئولیت پذیری مدیران و کارگزاران حکومت

<p>۱- تلاش در جهت کسب مکارم و فضائل ۲- برآوردن نیاز دیگران ۳- پیروی از حق و ملازمت با آن ۴- پرداخت حقوق دیگران ۵- استفاده بهینه از نعمات الهی ۶- رعایت حقوق دوستان و والدین ۷- توجه به مشکلات جامعه و کمک به مردم</p>	<p>اخلاق فردی</p>	<p>انواع مسئولیت پذیری مدیران و کارگزاران حکومت طبق فرمایشات امام علی (ع)</p>
<p>۱- مسئولیت دانشمندان در نشر علم و دانش ۲- مسئولیت کارمندان در رعایت تقوای الهی و ادای امانت و مردم‌داری ۳- مسئولیت مدیران و کارگزاران حکومت در حمایت از دین خدا و رویارویی با غرور و سرکشی گنهکاران ۴- دفاع از حدود و ثغور مملکت اسلامی ۵- فروتنی نسبت به مردم ۶- مسئولیت سرمایه داران در کمک به فقیران و ادای حقوق آنان</p>	<p>اخلاق شغلی</p>	
<p>از دیدگاه نهج البلاغه در این فرض، مسئولیتهای اخلاقی مبتنی بر نگرش کل گرایانه و سیستمی است؛ یعنی به دست آوردن حقوق، مساوی است با رعایت حقوق دیگران و اجرای وظایف خود در برابر حقوق دیگران عین احقاق حق خود است. عنصر اصلی این اخلاقی یعنی اصالت دادن به حقوق دیگران به این معنا که «شما حق دارید و من تکلیف» (برای ملاحظه تفصیلی مصادیق اخلاقی حرفه‌ای مدیران و کارگزاران به جدول شماره ۳ بنگرید).</p>	<p>اخلاق سازمانی یا حرفه‌ای</p>	

اخلاق حرفه‌ای کارگزاران حکومت

بر اساس آنچه آمد می‌توان گفت که مسئولیت‌پذیری کارگزاران حکومت تنها در قالب اخلاق حرفه‌ای تحقق می‌یابد. این نوع مسئولیت که نقطه مقابل فرهنگ استبدادی رفتار ارتباطی با تلقی «من حق دارم و دیگران وظیفه»، مبتنی است بر اصل «شما حق دارید و من تکلیف». هر انسانی بر مبنای این اصل اولاً برای دیگران حق قائل است. ثانیاً در برابر

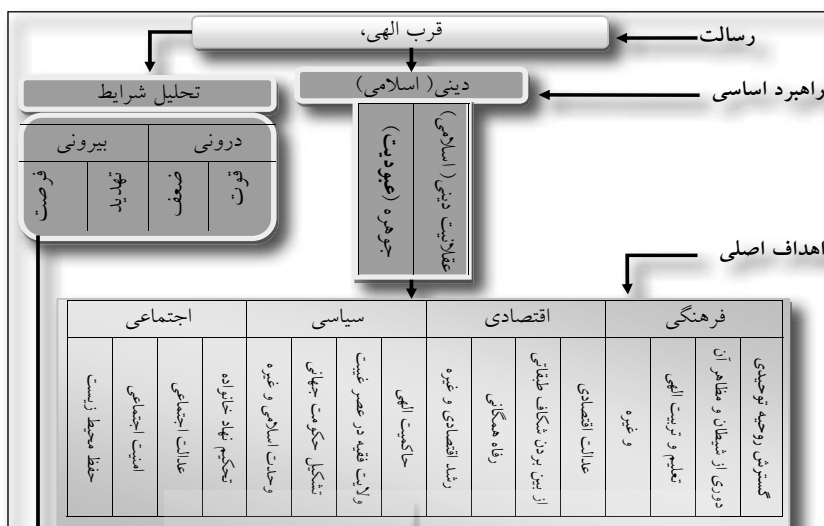
حقوق دیگران احساس مسئولیت می‌کند و خود را به رعایت آن ملزم می‌داند.

در جدول شماره (۳)، مسئولیت‌پذیری زمامداران و مدیران در قالب اخلاق حرفه‌ای، طبق بیانات امام علی (ع) در نامه ۵۰ نهج البلاغه ذکر می‌شود:

جدول (۳): مسئولیت‌پذیری زمامداران و مدیران در قالب اخلاق حرفه‌ای

جمع آوری مالیات برای اداره جامعه‌ی اسلامی و مصرف صحیح بیت المال	مسئولیت‌پذیری زمامداران و مدیران در قالب اخلاق حرفه‌ای طبق بیانات امیر مؤمنان علی(ع)
دفاع از کشور در مقابل دشمنان و بیگانگان و برقراری امنیت	
احیای سنت خدا و رسول گرامی اسلام (ص) و اقامه حدود و ارزشهای الهی	
به سامان رساندن کارهای مردم و اصلاح آنها	
گشاده‌رویی و فروتنی با مردم و مدارا و انصاف با آنان	
تلاش برای جلب رضایت مردم در کارها و حل مشکلات آنان	
تقدّم حقوق جمعی بر حقوق فردی در فرض تعارض میان آن دو	
محوریت عدالت در همه عرصه‌های زندگی جامعه	
آموزش و ارتقای سطح دانش جامعه، تزکیه و پیرایش نارواییهای موجود بین مردم و اصلاح فرهنگ آنان	
ایجاد فضای باز سیاسی و بیان آزادانه نظریات همراه با رعایت اصول و مبانی دینی و انسانی	
تقدّم رضایت خدا بر رضایت خلق و استعانت از خداوند در امور	
توجه دادن مردم به اعمال عبادی در همه ابعاد آن (ر.ک: خطبه ۳۴ و ۱۰۵، نامه ۵۳ و حکمت ۴۳۷).	
سرانجام «اگر کارگزار و مدیر، اموالی به دست آورد یا نعمتی مخصوص او شد، دچار دگرگونی نشود و با آن اموال و نعمتها بیشتر به بندگان خدا نزدیک گردد و به برادرانش مهربانی بیشتری روا دارد».	

نکته دیگر در ارتباط با اخلاق حرفه‌ای کارگزاران حکومت، پاسخگویی آنان در مقابل مردم است. و این امر ارتباط تنگاتنگی نیز با مسئولیت‌پذیری آنان دارد. آشنایی با شیوه پاسخگویی در تقویت اعتمادآفرینی نقش مؤثری دارد. در نمودار شماره (۱) ارتباط شیوه‌های پاسخگویی و تقویت اعتماد آفرینی با توجه به بیانات امام علی (ع) بیان شده است:



نمودار (۱): ارتباط بین شیوه‌های پاسخگویی و تقویت اعتماد آفرینی

۱- در پاسخ دادن سعی شود زمینه‌ای فراهم گردد تا افراد بدون دغدغه و ترس براحتی بتوانند درخواستها و مشکلات خود را با مسئولان مطرح کنند و پاسخ مناسب را دریافت دارند. حضرت علی (ع) به مالک اشتر می‌فرماید: «روزی اینان را فراخ دار و از رسیدگی به کارشان دریغ مدار و روی ترش بدانان میار. بخشی از وقت خود را خاص کسانی کن که به تو نیاز دارند. خود را برای آنان فارغ دار و در مجلس عمومی بنشین و در آن مجلس در برابر خدایی که تو را آفریده، فروتن باش و سپاهیان و بارانت را که نگهبانانند یا تو را پاسبانان از آنان بازدار تا سخنگوی آن مردم با تو گفتگو کند بی‌درماندگی در گفتار؛ که من از رسول خدا (ص) بارها شنیدم که می‌فرمود: «هرگز امتی را پاک از گناه نخوانند که در آن امت بی‌اینکه بترسند و در گفتار درمانند، حق ناتوان را از توانا نستانند» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

۲- پاسخگویی باید همراه با صداقت و صراحت باشد. حضرت علی (ع) در پاسخ به نامه معاویه، که خود را خلیفه مسلمین و خیرخواه امت می‌دانست و از صلح و دوستی دم می‌زد، ضمن پاسخ به ادعاهای دروغین او فرمود: «از هم اکنون خود را دریاب و چاره‌ای بیندیش که اگر کوتاهی کنی و برای درهم کوبیدنت بندگان خدا برخیزند، درهای نجات به روی تو بسته خواهد شد و آنچه را امروز از تو می‌پذیرند، فردا نخواهند پذیرفت» (نهج البلاغه، نامه ۶۵).

۳- پاسخ دادن به گونه‌ای باشد که همه از آن آگاه شوند و ضایع یا دوباره کاری نشود. شخصی از امام علی (ع) در مورد ایمان پرسید. حضرت فرمود: «فردا نزد من بیا تا در جمع مردم پاسخ گویم که اگر تو گفتارم را فراموش کنی، دیگری آن را در خاطرش بسپارد؛ زیرا گفتار چونان شکار رمنده است که یکی آن را به دست می‌آورد و دیگری آن را از دست می‌دهد» (حکمت ۲۶۶). البته حضرت علی (ع) در حکمت ۳۱، این سؤال را پاسخ داده و ایمان را به چهار شعبه صبر، یقین، عدل و جهاد تقسیم کرده است.

۴- در پاسخگویی سعی شود در موارد لزوم از باورها و اصول مشترک استفاده شود که مورد قبول طرفین است تا زودتر بتوان به نتیجه مطلوب دست یافت. امیرالمؤمنین علی (ع) در نامه‌ای که به معاویه پس از جنگ جمل در سال ۳۶ هجری توسط جریر بن عبدالله فرستاد در پاسخ به شبهات و انتقادات او از روش استدلال و مناظره بر اساس باورهای مشترک استفاده کرده است؛ زیرا معاویه که به ولایت و امامت حضرت و نصب الهی و ابلاغ رسول خدا (ص) اعتقادی نداشته است و تنها در شعارهای خود بیعت مردم و شورای مسلمین را مطرح می‌کند، امام علی (ع) در استدلال با او به ناچار معیارهای مورد قبول وی را طرح می‌کند و از این طریق به اثبات حقانیت خود می‌پردازد؛ به این معنا که اگر بیعت را قبول داری، مردم با من بیعت کردند و اگر به شورا احترام می‌گذاری، شورای مهاجر و انصار مرا برگزیدند، دیگر چه بهانه‌ای می‌توانی داشته باشی؟ (نهج البلاغه، نامه ۶). لازم به ذکر است که حضرت باور و اعتقادات خود را نسبت به امامت و رهبری اهل بیت (ع) در خطبه ۱، ۲، ۹۳، ۹۷، ۱۲۰ و ۱۴۴ مشروحاً بیان فرموده است. ۵- پاسخگویی همراه با خوش خلقی، خوشرویی، مهر و محبت باشد نه با تبختر و

تکبر. از دیدگاه مولای متقیان علی (ع) حسن خلق اساس همه نیکیها و سبب بهره‌وری در کارها می‌گردد (ری شهری، ۱۴۰۵: ۱۳۸/۳). انسان مؤمن اهل معاشرت و مهر و محبت است و کسی که با دیگران الفت نگیرد، خیری در او نیست (کلینی، ۱۳۸۸: ۱۶۳/۳ و ۱۶۲). آیت ... شیخ محمد باقر کمره‌ای در شرح اصول کافی ذیل احادیث مربوط به خوش خلقی گوید: «مقصود از خوش خلقی در روایات عبارت از اظهار مهر و ملامت و خوش نظری و خیر خواهی است نسبت به عموم معاشران از اهل هر مذهب و کیشی باشند و این خوش نظری و اظهار مهر و محبت به جا به هیچ وجه با وظایف خاصی که نسبت به هر مورد و به هر کس وارد است، منافات ندارد» (همان، ۱۶۳/۳).

۶- به سؤالاتی پاسخ داده شود که در ارتباط با حیطة مسئولیت مدیر باشد وگرنه پاسخگویی به هر سؤالی اولاً دخالت در کار دیگران و ثانیاً دلیل بر سفاکت و عدم رشد عقلی است. امام صادق (ع) فرمودند: «إِنَّ مَنْ أَجَابَ فِي كُلِّ مَا يَسْأَلُ عَنْهُ لَمْ جُنُونَ» (حرّ عاملی، ۱۴۱۴: ۱۶۶/۲۷؛ علامه مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱۷/۲؛ شیخ صدوق، ۱۳۶۱: ۲۳۸؛ نمازی شاهرودی، ۱۴۱۹: ۱۲۴/۲) : همانا کسی که بخواهد در هر چیزی که از او سؤال می‌شود، پاسخ دهد، دیوانه است.

۷- مؤثرترین روش در پاسخگویی که تأثیر زیادی در اعتماد آفرینی دارد، این است که کارگزاران حکومت و زمامداران در مقام عمل و نه صرفاً با لفظ و گفتار و ادعا و نوشته، پاسخگو باشند. امام باقر (ع) فرمودند: «پر افسوسترین مردم در روز قیامت کسی است که عمل عدالتی را وصف کند (و در پاسخ دادن زیبا و نیکو سخن گوید) ولی خودش خلاف آن عمل کند» (حرّانی، ۱۴۰۴: ۲۹۸؛ خالد البرقی، بی‌تا: ۱۲۰/۱؛ حرّ عاملی، ۱۴۱۴: ۲۹۵/۱۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۸/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲۳/۶۹؛ نمازی شاهرودی، ۱۴۱۹: ۱۲۰/۷؛ نمازی شاهرودی، ۱۴۱۹: ۳۹۱/۱۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۶: ۳۲۶/۴؛ حویزی، ۱۴۱۲: ۷۵/۱؛ حویزی، ۱۴۱۲: ۴۹۶/۴).

پاسخگویی در عمل یعنی قبل از اینکه زمامدار، دیگران را به احساس مسئولیت، وقت شناسی، ساده زیستی، دقت در کار، اخلاق نیکو و رعایت حقوق دیگران تشویق کند، خود عامل به آن، و رفتارش در مقام عمل پاسخگو باشد.

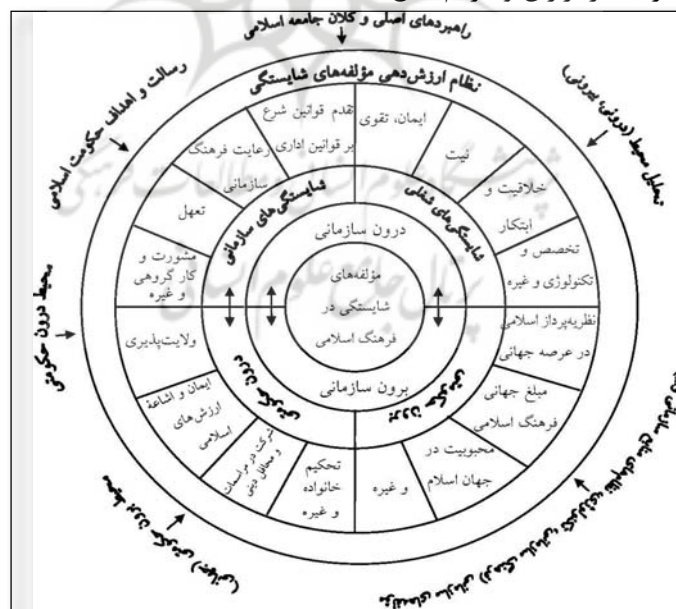
حضرت علی (ع) فرمودند: «ای مردم! به خدا سوگند من شما را به هیچ طاعتی وادار نمی‌کنم مگر اینکه پیش از آن خود بدان عمل کرده‌ام و از معصیتی شما را باز نمی‌دارم جز این که قبل از آن ترکش نموده‌ام» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵).

امام (ع) در کنار توصیه دیگران به ساده زیستی و عدم اسراف و تبذیر، خود نیز عملاً اسوه ساده زیستی بود؛ چنانکه فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَنِي إِمَامًا لِيَخْلِقَهُ فَفَرَضَ عَلَيَّ التَّقْدِيرَ فِي نَفْسِي وَ مَطْعَمِي وَ مَشْرَبِي وَ مَلْبَسِي كَضَعَاءِ النَّاسِ» (کلینی، ۱۳۸۸: ۴۱۰/۱؛ بحرانی، ۱۴۱۱: ۲۱۵/۲؛ مازندرانی، بی‌تا: ۴۳/۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۳۶/۴۰؛ نمازی شاهرودی، ۱۴۱۹: ۳۷۸/۴؛ محمودی، ۱۳۹۶: ۳۴۳/۱) : خداوند مرا پیشوای خلقش قرار داد و بر من لازم کرد که در خوردن، نوشیدن و پوشیدنم همانند ضعیفترین مردم باشم.

امام باقر (ع) فرمود: «به خدا سوگند که علی (ع) هم چون بنده غذا می خورد و هم چون بنده می نشست. اگر می خواست به مردم غذا بدهد، نان و گوشت به آنان می خوراند ولی خود به خانه می رفت و نان جوین را با روغن زیتون و سرکه تناول می کرد. در مدت پنج سال ولایتش آجری بر آجر یا خشتی بر خشتی نهاد و تیولی به خود اختصاص نداد و سرخ و سفیدی (زر و سیمی) به میراث بر جای گذاشت» (ابن شهر آشوب، ۱۴۰۵: ۹۸/۲).

ارتباط متقابل مسئولیت پذیری کارگزاران و مردم

نکته مهم در مورد اخلاق حرفه ای کارگزاران، ارتباط سامانمند و ارگانیک مسئولیت پذیری آنان و مردم است. همان طور که اشاره شد اصل مسئولیت پذیری مبتنی است بر اینکه «شما حق دارید و من تکلیف» و این بر اساس رابطه متقابل حق و تکلیف طرفینی است؛ یعنی طرف مقابل نیز موظف به رعایت اصل «شما حق دارید و من تکلیف» است؛ به بیان دیگر، مسئولیت پذیری حاکمان و کارگزاران در ارتباط متقابل با مسئولیت پذیری آحاد افراد جامعه به عنوان امت اسلامی قابل تعریف و تبیین و توجیه، و حضرت علی (ع) در خطبه ۳۴ و ۲۱۶ بدان اشاره کرده است. در نمودار شماره (۲) این ارتباط متقابل بین مسئولیت پذیری کارگزاران و مردم بیان شده است:



نمودار (۲): ارتباط متقابل مسئولیت پذیری کارگزاران و مردم

در خطبه ۳۴ حضرت علی (ع) اولین حق مردم بر زمامدار را خیرخواهی می‌داند که در ارتباط با حق زمامدار بر مردم نیز همین مورد را مطرح می‌کند؛ منتها در فرض اول به عنوان اولین حق مطرح شده ولی در فرض دوم به عنوان دومین حق و بعد از وفا به بیعت آمده است. «علت اختلاف در اهمیت این حق کاملاً روشن است؛ زیرا اگر مردم به بیعتی وفادار نباشند که با زمامدار کرده‌اند، در واقع او را به مقام رهبری و پیشوایی نپذیرفته‌اند و با این فرض نوبت به خیرخواهی نمی‌رسد، زیرا در این فرض اصل موضوع که رهبری و پیشوایی زمامدار است، منتفی است. در صورتی که در حقوق مردم بر عهده زمامدار که مبتنی بر پذیرش زمامداری اوست، اولین و با اهمیت‌ترین حق همان خیرخواهی مطلق زمامدار درباره مردم است که مبنای اصلی رابطه مدیریت و رهبری برای مردم است. خیرخواهی درباره زمامدار قائم به حق، تکلیف الهی الزامی همه افراد جامعه است به همان اندازه که خیرخواهی انسانها درباره خویشستن، تکلیف الهی الزامی است.

با نظر دقیق در نتایج مدیریت رهبران شایسته و قائم به حق در طول تاریخ و با نظر به شناخت ابعاد انسانی در مورد رهبران و با نظر لازم و کافی در منابع معتبر اسلامی، می‌توان رهبر و پیشوای شایسته جامعه را به عقل و وجدان آگاه آن جامعه تشبیه کرد؛ چنانکه هر فرد انسانی فقط با رفتار صادقانه و خیرخواهانه درباره عقل و وجدان خود می‌تواند «زندگی منطقی» و «حیات معقول» خود را تأمین کند. هم‌چنین جامعه انسانی موقعی می‌تواند از «زندگی منطقی» و «حیات معقول» برخوردار باشد که درباره رهبر و پیشوای خود که به منزله عقل و وجدان آن است، رفتار صادقانه و خیرخواهانه داشته باشد» (علامه جعفری، ۱۳۷۶: ۴۰/۹-۳۹).

مورد دیگر، پاسخ مثبت مردم به دعوت زمامدار و اطاعت از دستور اوست. کارگزاران و حاکمان الهی، مردم را جز به اصلاح و خیر و سعادت دنیوی و اخروی به چیز دیگری دعوت نمی‌کنند؛ چنانکه در سوره هود آیه ۸۸ آمده است که حضرت شعیب گفت: «من چیزی جز اصلاح شما تا آنجا که بتوانم، نمی‌خواهم و موفقیتی برای من جز با مشیت خداوندی نیست. من بر او توکل کرده‌ام و به سوی او بازگشت می‌کنم»^۱. آیات فراوانی در

۱- «إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ».

قرآن مجید این معنا را تذکر می‌دهد که بعثت پیامبران و فرستادن کتابهای آسمانی، همه و همه برای این است که مردم را از جهل و فقر و نکبت و طغیانگری و خود محوریتها بیرون آورد و به نور وارد سازد. در آیه ۱۵ و ۱۶ سوره مائده آمده است: «برای شما نور و کتابی آشکار و آشکار کننده از سوی خدا آمده است. خداوند به وسیله آن نور و کتاب، کسی را که از رضای او پیروی کند به راههای سلیم و صفا و حقیقت راهنمایی می‌کند و آنان را به اذن خداوندی از ظلمات بیرون می‌آورد و به نور وارد می‌نماید»^۱.

بر اساس آنچه آمد، می‌توان گفت که عدم درخواست مردم به دعوت و دستورهای حاکمان الهی اولاً موجب ضرر و تباهی خود آنان خواهد بود. ثانیاً زمامدار را در اجرای وظایف خود، که تعلیم و تربیت آنان، اجرای عدالت و اصلاح کارهای اقتصادی جامعه است، نا موفق می‌گرداند. در حقیقت، مسئولیت‌پذیری مردم به عنوان امت اسلامی زمینه ساز ایفای مسئولیتهای کارگزاران حکومت به نحو نیکو است؛ منتها به لحاظ زمانی بر زمامداران است که ابتدا به وظایف خود عمل کنند؛ سپس از مردم انتظار ادای حقوق خود را داشته باشند؛ چنانکه حضرت علی (ع) در خطبه ۳۴ و ۲۱۶ ابتدا زمامداران را به اجرای وظایف خود موظف کرده، آن گاه به حقوق آنها بر مردم اشاره نموده است.

حقوق مردم بر زمامداران

اولین حقی که مردم بر کارگزاران و دولتمردان خود دارند، خیرخواهی درباره آنان است. علامه جعفری (۱۳۷۶: ۲۶/۹) می‌گوید: «این خیرخواهی یک مفهوم اخلاقی محض نیست که معمولاً به لطف و محبت خوشایند و غیر الزامی اطلاق می‌شود؛ بلکه با نظر به تعریف حکومت و سیاست در اسلام که عبارت است از اداره جامعه رو به بهترین هدف زندگی در دو قلمرو فردی و اجتماعی، ضرورتی است که بدون آن، مفهومی برای حاکم و سیاستمدار و زمامدار وجود ندارد. خیرخواهی زمامدار موقعی تحقق پیدا می‌کند که مردم جامعه مانند اجزا و عناصر شخصیت زمامدار تلقی شوند و در نتیجه خوشیها و ناخوشیهای مردم و تضادهای مختل کننده زندگی در میان آنان را در درون

۱ - يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ * يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.

خود احساس کنند». در نامه‌ای که حضرت علی (ع) به عثمان بن حنیف نوشت، این احساس آشکارا هست که آن حضرت فرمودند: «آیا به این امر قناعت کنم که به من امیرالمؤمنین گفته شود ولی در ناگواریهای روزگار با آنان شرکت نورزم و در خشونت و سختیهای زندگی الگوی آنان نباشم؟» (نامه ۴۵). لازم به ذکر است که خیرخواهی زمامدار و حاکم نسبت به مردم فقط در امور مادی خلاصه نمی‌شود بلکه شامل همه ابعاد مادی و معنوی نیز می‌گردد. حضرت در خطبه ۱۸۹ می‌فرماید: «ای مردم پیش از اینکه مرا نیابید، آنچه می‌خواهید از من بپرسید که من راه‌های آسمان را بهتر از راه‌های زمین می‌شناسم؛ بپرسید قبل از اینکه فتنه‌ها چونان شتری بی‌صاحب حرکت کند و مهار خود را پایمال نماید و مردم را بکوبد و بیازارد و عقلها را سرگردان کند». از مهمترین نتایج خیرخواهی کارگزاران، مردم‌داری است. در منطق اسلام، حکومت وسیله‌ای برای رساندن مردم و جامعه به کمال و اهداف عالی انسانی الهی است. بر همین اساس، بزرگان دین و از جمله حضرت علی (ع) برای حکومت و دنیا ارزشی قائل نبودند: «سوگند به خدایی که دانه را شکافت و جان را آفرید، اگر حضور فراوان بیعت‌کنندگان نبود و یاران، حجت را بر من تمام نمی‌کردند و اگر خداوند از علما عهد و پیمان نگرفته بود که برابر شکمبارگی ستمگران و گرسنگی مظلومان سکوت نکنند، مهار شتر خلافت را بر کوهان آن انداخته، رهایش می‌ساختم و آخر خلافت را به کاسه اول آن سیراب می‌کردم، آن‌گاه می‌دیدید که دنیای شما نزد من از آب بینی بزغاله‌ای بی‌ارزشتر است» (نامه ۲۷). بنابراین با نگاهی که دین اسلام به حکومت دارد در رفتار حاکم و کارگزار با مردم نیز مؤثر است. در منطق اسلام، حاکم باید به مردم از روی مهربانی و عطوفت نگاه کند. اگر حاکم نسبت به مردم این نگاه را داشته باشد از انحرافات و فسادهای حکومتی در اجتماع جلوگیری می‌شود؛ چون برخورد آنها با مردم به مهربانی و عطوفت انجام می‌گیرد و این نگاه، دیگر اجازه ظلم، تجاوز و تعدی به حقوق مردم را به آنها نمی‌دهد و کار مردم به سرانجام می‌رسد. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «امامت و رهبری شایسته نیست مگر برای انسانی که سه ویژگی داشته باشد: ورعی که او را از معصیت خدا دور نگه دارد. بردباری که غضبش را نگه دارد و نیکو ولایت کردن به کسانی که تحت ولایت او هستند تا برای آنان مانند پدر باشد برای فرزندان» (کلینی، ۱۳۸۸: ۴۰۷/۱). انس بن مالک درباره شخصیت

پیامبر اکرم (ص) می گوید: «هیچ شخصی محبوبتر از رسول خدا (ص) نزد مسلمانان نبود» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲۹/۱۶). درباره سیره پیامبر اکرم (ص) نیز روایت شده است: «پیامبر اکرم (ص) به هر مسلمانی مهربانی می نمود، حتی با افرادی که با بدترین روش با پیامبر اکرم (ص) رفتار می کردند» (طباطبایی، ۱۴۱۶: ۱۱۸). پس در اسلام، حاکم، خود را خادم و دوست و همدم مردم می داند و رسیدن به قدرت و حکومت را طعمه و فرصتی مغتنم برای ثروت اندوزی تلقی نمی کند. تصویری که امام علی (ع) از حکومت برای کارگزاران خویش نشان می دهد، «امانت بودن حکومت» است. اگر حاکم، حکومت خویش را امانت تلقی نماید در صدد اصلاح کار مردم و به دنبال کسب رضایت آنان برمی آید. امام علی (ع) طی نامه‌ای به اشعث بن قیس، فرماندار آذربایجان نوشت: «همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نیست؛ بلکه امانتی در گردن توست؛ باید از فرمانده و امام خود اطاعت کنی. تو حق نداری نسبت به رعیت، استبداد ورزی و بدون دستور به کار مهمی اقدام نمایی. در دست تو اموالی از ثروت‌های خدای عزوجل است و تو خزانه‌دار آنها هستی تا به من بسپاری» (نامه ۵). امام علی (ع) در تمام نامه‌ها، فرمانداران و استانداران خود را نسبت به حقوق اجتماعی مردم سفارش می کرد و از نظر اخلاق اجتماعی، مسئولان نظام را به مردم‌داری، ابراز محبت و لطف نسبت به رعیت و مردم، دستور می داد. امیرالمؤمنین (ع) در نامه ۵۳ به مالک‌اشتر می فرماید: «مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش. مبادا هرگز چو نان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی؛ زیرا مردم دو دسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تو و دسته‌ای دیگر همانند تو در آفرینش هستند. اگر گناهی از آنان سر می زند یا علت‌هایی بر آنان عارض می شود، یا خواسته و ناخواسته اشتباهی مرتکب می گردند، آنان را ببخشای و بر آنان آسان گیر، آن گونه که دوستداری خدا تو را ببخشاید و بر تو آسان گیرد. همانا تو از آنان برتر و امام تو از تو برتر و خدا بر آن کس که تو را فرمانداری مصر داد، والاتر است که اجرای کار مردم مصر را به تو واگذارده و آنان را وسیله آزمودن تو قرار داده است». هم‌چنین در نامه‌ای به محمد بن ابی‌بکر، شیوه‌های مردم‌داری و رعایت حقوق اجتماعی آنان را تذکر داده است: «با مردم فروتن، نرم‌خو و مهربان، گشاده‌رو و خندان باش» (نامه ۲۷).

حق دوم مردم بر زمامداران تقسیم عادلانه بیت المال و تنظیم کامل و برنامه‌ریزی

صحیح مسائل اقتصادی جامعه است. از دیدگاه امیرالمؤمنین علی (ع) دولتمردان موظفند بر بیت المال نظارت کنند و بر نحوه مصرف آن دقیق باشند. به حضرت وقتی خبر رسید که یکی از کارگزارانش از مقام خود سوءاستفاده کرده و از مسیر تقوی و عدالت و اعتدال خارج شده است در نامه‌ای به او چنین فرمود: «همانا به من از تو خبری رسیده است که اگر چنان کرده باشی پروردگار خود را به خشم آورده، امام خود را نافرمانی و در امانت خیانت کرده‌ای. به من خبر رسیده که کشت زمینها را برداشته و آنچه می‌توانستی گرفته و آنچه در اختیار داشته‌ای به خیانت خورده‌ای، پس هر چه زودتر حساب اموال را برای من بفرست و بدان که حسابرسی خداوند از حسابرسی مردم سخت‌تر است» (نامه ۴۰).

نکته دیگر تقسیم عادلانه بیت المال بین مردم و بهره‌وری افراد جامعه از آن بدون تبعیض است. پس از اینکه مردم با امام علی (ع) بیعت کردند، حضرت در یک سخنرانی عمومی، سیاستهای خود را در احیای قرآن و سنت رسول خدا (ص) و اجرای عدالت اجتماعی و برخورد شدید با غارتگران بیت المال بیان کرد؛ آن‌گاه دستور داد موجودی بیت المال را به گونه‌ای مساوی تقسیم کنند که به هر نفر سه درهم می‌رسید. به ابی رافع نویسنده و منشی خود فرمود: از مهاجرین شروع کن و نام فرد فرد آنها را بخوان، سپس نام انصار و دیگر مردم را بخوان و به همه سه درهم بده و بین سیاه و سفید و سرخ و سفید فرقی مگذار. سهل بن حنیف گفت: یا امیر المؤمنین! این شخص دیروز غلام من بود و امروز آزاد شد، بین من و او فرقی نمی‌گذاری؟ امام علی (ع) فرمودند: به او نیز همانند تو می‌بخشم و به هر یک از آن دو یا سه درهم داد. از این رو مخالفتها شروع شد و طلحه و زبیر و عبدالله بن عمر و سعید بن عاص و مروان بن حکم و چند تن از قریش ناراحت شدند و سهم خود را نگرفتند (کلینی، ۱۳۸۸: ۳۱۹/۸ و ۳۱۸).

علاوه بر آنچه گفته شد، تبیین الگوی صحیح مصرف نیز می‌تواند عامل مؤثر در رشد و توسعه اقتصادی جامعه باشد. از دیدگاه حضرت علی (ع) الگوی مصرف، قناعت و رعایت اصل کفاف و عفاف در زندگی است (ر.ک: غرر ۱۰، ۲۳، ۳۷ و ۵۷؛ نهج البلاغه، حکمت ۴۳ و ۴۴).

البته کفاف در اسلام، یک اصل اقتصادی است ولی عفاف، مفهومی عام دارد و به مسائل اقتصادی اختصاص ندارد و اینکه عفاف و کفاف را با هم می‌آورند بدین دلیل است

که بین آن دو رابطه محکمی برقرار است؛ به این معنا که مسلمانان با رعایت کفاف از پیامدهای مصرف زیاد از حد مصون می‌مانند و در کسب دنیا حرص نمی‌ورزند و دنیاطلبی بر آنها غلبه نمی‌کند.

رعایت اصل کفاف و عفاف در مصرف از لوازم رفتار عقلایی برای رسیدن به هدف است؛ زیرا مصرف بیشتر یا کمتر از حد کفاف مانعی برای رسیدن به هدف (یعنی زهد) یا سبب دیرتر رسیدن به آن است. چون اولاً از پیامد مصرف زیاد، مشغول شدن ذهن و غافل ماندن از وظایف مهمتر است؛ هم چنانکه مصرفی کمتر از حد کفاف از آنجا که به سلامت انسان لطمه وارد می‌کند، نیز مورد قبول اسلام نیست. ثانیاً زیاده‌روی در مصرف موجب انتقال منابع تولیدی جامعه از کاربرد آن در جهت افزایش قدرت تولیدی جامعه به تولید کالاهای مصرفی غیرضروری و استهلاک آن منابع است. ثالثاً عدم رعایت اعتدال در مصرف باعث تنوع طلبی و بزرگتر شدن سبب مصرفی انسان می‌گردد و در نتیجه عادات مصرفی انسان قویتر می‌شود که این خود، نامطلوب و دارای پیامدهای ناپسند است.

حقّ سوم، تعلیم مردم جامعه برای رها ساختن آنان از جهل و بیسوادی است. بر اساس روایات اسلامی تعلیم و تعلم بر همه مسلمین واجب است؛ زیرا حقیقت و رشد انسان در علم و آگاهی و حیات معقول است. حضرت علی (ع) ضمن تشویق دیگران به کسب علم و دانش، خود نیز با همه مشغله فراوانی که داشت به تألیف کتاب همت گماشت. کتاب فقهی امیرالمؤمنین طبق نقل امام صادق (ع) کتابی مفصل و دارای صفحاتی بسیار بود که فرمود: «کاغذهای آن ۷۰ ذرع طول داشت که با خطّ امام (ع) نگاشته شد و تمام حلال و حرام در آن مشروحاً بیان شد و نیز هر چیزی که انسانها و امت اسلامی نیاز داشتند، جواب آن در این کتاب آمده است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲-۲۳/۲۶؛ کرکی، ۱۴۰۸: ۸/۱؛ موسوی خمینی، ۱۴۱۸: ۲۲؛ انصاری، ۱۴۱۵: ۳۹/۱؛ صفار، ۱۴۰۴: ۱۶۳؛ کلینی، ۱۳۸۸: ۲۳۹/۱؛ مازندرانی، بی‌تا: ۲۶۴/۲؛ مازندرانی، بی‌تا: ۳۳۴/۵؛ حرّ عاملی، ۱۴۱۴: ۶/۱؛ بحرانی، بی‌تا: ۱۲۹). حضرت علی (ع) در برخورد با شبهات دینی و پرسشهای مختلف مردم آن چنان سعه صدر داشت که با بزرگواری و تحمل وصف ناشدنی به پرسشهای آنان پاسخ می‌داد. در جریان جنگ جمل یکی از یاران حضرت سخت در تردید قرار گرفت. از یک طرف امام علی (ع) را می‌دید و شخصیت‌های بزرگ اسلامی که در رکاب او شمشیر می‌زدند و از یک

طرف دیگر عایشه همسر رسول خدا (ص) و طلحه و زبیر به شک افتاد که کدامیک به حق نزدیکترند. سرانجام به محضر علی (ع) شرفیاب شد و گفت: آیا ممکن است طلحه و زبیر و عایشه بر باطل اجتماع کنند؟ حضرت در جواب او پاسخی داد که به تعبیر دکتر طه حسین، دانشمند مصری، سخنی محکمتر و بالاتر از این یافت نمی‌شود و بعد از وحی سخنی به این بزرگی شنیده نشده است. حضرت فرمود: «حقیقت بر تو مشتبه شده است؛ همانا حق و باطل را نمی‌توان با میزان قدر و شخصیت افراد شناخت، بلکه ابتدا سعی کن حق و باطل را بشناسی تا به واسطه آن نسبت به اهل حق و باطل آگاهی پیدا کنی» (دستی، ۱۳۷۹: ۳۰۶/۲). لازم به ذکر است این حق در صورتی می‌تواند نقش کامل خود را ایفا کند که مردم نیز با کمال وجود و آمادگی کامل در پذیرش رهنمودهای حاکم و زمامدار، توان خود را به منصفه ظهور برسانند؛ زیرا «إِنَّ الْأَعْلِيَّاتِ عَلَى الْقَابِلِيَّاتِ».

حق چهارم، تربیت مردم و رشد روحی و معنوی آنان در کنار کسب علم و دانش است؛ زیرا به فرموده حضرت علی (ع) «علم میراث گرانبهایی است و تربیت و آداب ارزشمند اخلاقی، لباس فاخر و زینتی است» (حکمت ۵) و نیز فرمودند: «ای مردم، خودتان عهده‌دار تربیت نفس خویش باشید و نفس را از کشیده شدن به سوی هوسها و عادات ناروا بازدارید» (حکمت ۳۵۹).

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان دریافت که «سیاست در اسلام فقط برای تنظیم روابط مادی افراد جامعه نیست، بلکه این سیاست با کمال جدیت، پیشبرد روحی پیروان خود را هم در متن خود تضمین کرده است. این سیاست زندگی مادی چند روزه فرزندان آدم را هدف آفرینش انسانها نمی‌داند، بلکه هدف اعلائی را برای انسانها اثبات می‌کند و «حیات معقول» را که تحقق یافتن آن هدف اعلاء را به عهده می‌گیرد به وجود می‌آورد» (علامه جعفری، ۱۳۷۶: ۳۷/۹ و ۳۶).

نتیجه‌گیری

مسئولیت‌پذیری کارگزاران و مدیران حکومت در برابر حقوق دیگران به معنای پاسخگویی در برابر وظایفی است که بر عهده خود دارند و به عنوان اخلاق حرفه‌ای و سازمانی باید مورد توجه جدی آنان قرار گیرد. از دیدگاه حضرت علی (ع) این نوع مسئولیت مبتنی است بر این که «شما حق دارید و من تکلیف» که مهمترین موارد آن عبارت است از: جمع‌آوری مالیات و مصرف صحیح آن در جهت توسعه و رشد اقتصادی کشور، دفاع از کشور در مقابل دشمنان و برقراری امنیت، احیای سنت خدا و رسول گرامی اسلام (ص) و اقامه حدود و ارزشهای الهی، گشاده‌رویی و فروتنی با مردم و انصاف با آنان، محوریت عدالت در همه عرصه‌های زندگی جامعه، تقدّم حقوق جمعی بر حقوق فردی در فرض تعارض میان آن دو، آموزش و ارتقای سطح دانش جامعه، تزکیه و پیرایش نارواییهای بین مردم و اصلاح فرهنگ آنان.

از دیدگاه نهج البلاغه مسئولیت‌پذیری کارگزاران در ارتباط متقابل، سامانمند و ارگانیک با مسئولیت‌پذیری مردم به عنوان اّمّت اسلامی است که حضرت علی (ع) در خطبه ۳۴ بدان اشاره کرده و عبارت است از: وفاداری، خیرخواهی در آشکار و پنهان، اجابت و اطاعت از دستورها و فرمانهای حاکم.

مسئولیت‌پذیری زمامداران، که همان پاسخگویی در مقابل مردم و اصالت دادن به حقوق آنان است، اساسیترین نتیجه‌اش اعتمادآفرینی است که می‌تواند زمینه‌ساز اجرای وظایف مردم در برابر حکومت باشد و مهمترین موارد آن عبارت است از: طرح مشکلات توسط مردم بدون دغدغه و ترس و پاسخ مناسب به آنان، صداقت و صراحت در پاسخگویی، خوشرویی و خوش خلقی در ارائه پاسخ، توجه به باورهای مشترک در مقام پاسخ دادن، پاسخگویی به سؤالات در محدوده وظایف و پاسخگویی عملی به این معنا که حاکم و زمامداران حکومتی قبل از اینکه دیگران را به احساس مسئولیت، وقت‌شناسی، ساده زیستی، دقّت در کار، اخلاق نیکو، مصرف صحیح بیت المال و رعایت حقوق دیگران تشویق کند، خود نیز عامل به آن، و رفتارش در مقام عمل پاسخگو باشد.

فهرست منابع

- قرآن مجید.
- نهج البلاغه
- موسوی خمینی، روح الله (۱۴۱۸ ه.ق). الاجتهاد و التقليد، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۱. ابن شهر آشوب (۱۴۰۵ ه.ق)، مناقب آل ابی طالب (ع)، دارالاضواء، بیروت.
- ۲. انصاری، محمدعلی (۱۴۱۵ ه.ق). الموسوعه الفقهيه الميسره، ج ۱ (دوره ۳ جلدی)، قم: مجمع الفكر الاسلامی.
- ۳. بحرانی، هاشم (۱۴۱۱ ه.ق). حلیه الابرار فی احوال محمد (ص) و آله الاطهار (ع)، ج ۲ (دوره ۲ جلدی)، تحقیق غلامرضا مولانا بحرانی، مؤسسه المعارف الاسلامیه
- ۴. بحرانی، هاشم (بیتا). ینابیع المعاجز، قم: مطبعه العلمیه.
- ۵. پتریلو، مایکل ای و دیگران (۱۳۸۷). ویژگیهای نظارت و بازرسی، ترجمه دکتر حسین ملانظر، فصلنامه نظارت و بازرسی، سال دوم، شماره ۶، زمستان ۱۳۸۷.
- ۶. جعفری، محمد تقی (۱۳۷۶). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۹، چ ششم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۷. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ ه.ق). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱، ۱۵ و ۲۷ (دوره ۳۰ جلدی)، چ دوم، قم: مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث.
- ۸. حرّانی، ابو محمد الحسن بن علی بن الحسین بن شعبه (۱۴۰۴ ه.ق). تحف العقول عن آل الرسول (ص)، چ دوم، قم: تحقیق علی اکبر غفاری، مؤسسه نشر اسلامی.
- ۹. حویزی، علی بن جمعه العروسی (۱۴۱۲ ه.ق). تفسیر نور الثقلین، ج ۱ و ۴ (دوره ۵ جلدی)، تحقیق هاشم رسولی محلاتی، چاپ چهارم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- ۱۰. خالد البرقی، احمد بن محمد (بیتا)، المحاسن، ج ۱ (دوره ۲ جلدی)، تحقیق جلال الدین حسینی، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۱. دشتی، محمد (۱۳۷۹). امام علی (ع) و مسائل سیاسی، ج ۲، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع).
- ۱۲. سید رضی، ابوالحسن محمد بن الحسین (۱۳۷۹). نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی،

قم: نشر الهادی.

۱۳. شیخ صدوق، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی (۱۳۶۱). معانی الاخبار، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: انتشارات اسلامی.
۱۴. صفّار، محمد بن الحسن بن فروخ (۱۴۰۴ ه.ق). بصائر الدرجات الكبرى، تحقیق میرزا محسن کوچه باغی، تهران: مؤسسه الاعلمی.
۱۵. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۶ ه.ق). سنن التّبی (ص)، تحقیق محمد هادی فقهی، انتشارات اسلامی.
۱۶. فیض کاشانی، محسن (۱۴۱۶ ه.ق). تفسیر الصافی، ج ۴ (دوره ۵ جلدی)، چ دوم، تهران: مکتبه الصدر.
۱۷. قراملکی، احد فرامرز (۱۳۸۲). اخلاق حرفه‌ای، تهران: ناشر مؤلف.
۱۸. کرکی، علی بن الحسین (۱۴۰۸ ه.ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد، ج ۱ (دوره ۱۳ جلدی)، قم: مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث.
۱۹. کلینی رازی، ابو جعفر محمد (۱۳۸۸ ه.ق). الکافی، ج ۱ و ۳ (دوره ۸ جلدی)، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، چ سوم.
۲۰. مازندرانی، محمد صالح (بی‌تا). شرح اصول الکافی، ج ۲، ۵ و ۷ (دوره ۱۲ جلدی)، با تعلیقات ابوالحسن شعرانی.
۲۱. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ ه.ق). بحار الانوار، ج ۲، ۴۰، ۶۹ و ۷۵ (دوره ۱۱۰ جلدی)، مؤسسه الوفاء، بیروت، چ دوم.
۲۲. محمدی ری شهری، محمد (۱۴۰۵ ه.ق). میزان الحکمه، بیروت: الدار الاسلامیه.
۲۳. محمودی، محمد باقر (۱۳۹۶ ه.ق). نهج السّعادة فی مستدرک نهج البلاغه، ج ۱ (دوره ۸ جلدی)، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۲۴. مکنزی، آک (۱۳۷۱). مدیریت بهره‌وری از زمان، ترجمه محمد رضاپور، تهران.
۲۵. نمازی شاهرودی، علی (۱۴۱۹ ه.ق). مستدرک سفینه البحار، ج ۲، ۴، ۷ و ۱۰ (دوره ۱۰ جلدی)، تحقیق حسن نمازی شاهرودی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی